

تظاهرات «دست‌ها کوتاه!» (Hands Off) ، که عمدتاً توسط گروه دموکرات‌محور (Indivisible) «جدائی ناپذیر» سازماندهی شده بود، درباره سیاست خارجی نظامی‌گرایانه نظام دو حزبی امریکا سکوت اختیار کرد، و به‌استثای شعار «دست‌ها از ناتو کوتاه!»، تمرکز خود را صرفاً بر مسائل داخلی قرار داد. قابل توجه است که «دست‌ها از فلسطین کوتاه!» از خواسته‌های رسمی حذف شده بود، هرچند فعالان مردمی آن را مطرح کردند.

این سکوت عمدی درباره سیاست خارجی، و جداسازی ساختگی آن از مسائل داخلی، این واقعیت را پنهان می‌کند که بسیاری از مشکلات داخلی نتیجه سیاست خارجی نظامی‌گرایانه‌ای است که به کشور ما تحمیل شده است. هزاران میلیارد دالر بودجه‌ای که بشدت برای نیازهای انسانی لازم است، به جنگ‌افروزی در اوکراین، غرب آسیا، و آسیا - اقیانوسیه اختصاص داده می‌شود. دستیابی به قدرت مردمی زمانی امکان‌پذیر خواهد بود که بر پایه آگاهی سیاسی و درک طبقاتی از جنگ و نظامی‌گری بنا شود. در مقابل، خواسته‌های رسمی اعتراضات «دست‌ها کوتاه!»، که ناتو را می‌پذیرد اما درباره نسل‌کشی در غزه سکوت می‌کند، پایه طبقاتی جنگ را پنهان می‌سازد.

در حالی که بی‌قانونی رسمی با ترمپ آغاز نشده است، رئیس‌جمهور جدید در پی تغییر نظم امپریالیستی پسا جنگ فعلی به نظم جدیدی است که امتیازات بیشتری به امپراتوری امریکا بدهد. فارغ از این که چه کسی در قدرت است، طبقه حاکمه امریکا، در کلیت خود، به گرایش ایالات متحده برای عبور از محدوده قوانین داخلی و بین‌المللی سرعت بخشیده است.

جنگ نیابتی غرب علیه روسیه در اوکراین ادامه دارد، در حالی که ابرهای جنگ برای آغاز جنگی نیابتی با جمهوری خلق چین از طریق تایوان و کوریای جنوبی در حال شکل‌گیری است. در همین حال، نسل‌کشی امریکا/ اسرائیل علیه فلسطین و متحدانش ادامه دارد. جنگ قریب‌الوقوع با ایران، که مورد حمایت هر دو حزب است، یک مسأله فوری دیگر است که در چارچوب سیاست‌های امپریالیسم قابل توضیح می‌شود.

افزون بر این، تعهد نظام دو حزبی برای گسترش ابزارهای سرکوب داخلی از سوی دولت — از شهرهای پولیسی‌شده گرفته تا سرکوب در دانشگاه‌ها، جرم‌انگاری گفتار و تجمع، محدودسازی آموزش حقیقی و استفاده فزاینده از نظام قضائی به‌عنوان سلاح — وجود دارد. تشدید برنامه‌های ریاضتی داخلی، حذف مقررات و نابودی نهادهای دولتی که از زندگی کارگران حمایت می‌کنند، و حمله به اتحادیه‌های کارگری، سوی دیگر حفظ این امپراتوری نظامی‌گرا است.

تمام این موارد باید روشن کرده باشد که هیچ‌یک از دو حزب تحت کنترل «میلیاردرها» نمی‌تواند اپوزیسیون ضرور و مؤثر علیه امپریالیسم باشد. شرایط کنونی جهان ایجاب می‌کند که جنبشی برای مقابله با جنگ و نظامی‌گری ایجاد شود که تمرکز مادی بیشتری بر ضدیت با امپریالیسم داشته باشد. این امر مستلزم درک پیوند روشن بین سیاست‌های خارجی و داخلی امپراتوری، و مطالبه پایان نظامی‌گری و تخصیص منابع به نیازهای انسانی است.

به‌جای دنباله‌روی از «شیطان کوچک‌تر»،* ما مردم را به پیوستن به کارزارهای مستقل مردمی برای کاهش بودجه نظامی، بستن پایگاه‌های نظامی خارجی امریکا و ناتو، ایجاد منطقه صلح در قاره ما و توقف نظامی‌سازی پولیس و سرکوب داخلی دعوت می‌کنیم. درک ضدامپریالیستی کلید موفقیت مبارزه مردمی ما برای صلح و جامعه‌ای عادلانه‌تر است.

*- اشاره به حزب دموکرات است که بسیاری از مردم ناراضی امریکا آن را از سر ناآگاهی «شیطان کوچک‌تر» می‌دانند و با همین استدلال به آن رأی می‌دهند — مترجم